

جلوه‌هایی از قرآن کریم در شعر حافظ

*

تردید نیست که هر نوع دانش و اندوخته ذهنی شاعر خواه ناخواه در شعرش انعکاس می‌یابد، زیرا در واقع آنچه شخصیت معنوی او را شکل می‌دهد. همان دانشها و تجربه‌ها و آموخته‌هایی است که به‌مرور زمان و در طول زندگی بدست می‌آورد. این معارف و دانش‌ها، هنگام سرودن شعر، از نوجوان گرفته، مجال بروز و ظهور می‌یابد. شاید بتوان گفت که شعر، علاوه بر بیان عواطف و احساسات، ترجمانی است از: دانشها و آموخته‌های شاعر، بویژه وقتی که این دانشها و آموخته‌ها پیوند یافته باشد با اعتقادات استوار مذهبی و مسائلی که شاعر آنها را از بن دندان و صمیم قلب، پذیرفته و بدانها مؤمن و معتقد گردیده است، که در آن صورت شعرا و تصویر روشن از آراء و عقاید مذهبی او نیز خواهد بود.

بخش وسیعی از ادبیات غنی و بارور کهن پارسی از این نوع است و به جرأت می‌توان گفت: اگر کسی از مباحث دینی و اخبار و احادیث مذهبی و تفاسیر قرآن بیگانه باشد، نمی‌تواند از خوان گسترده و پر نعمت ادب فارسی به‌صورت کامل بهره‌گیرد و از چشمه فیاض آن متمتع گردد. زیرا بدون وقوف و آگاهی بر اینگونه مسائل و مباحث، فهم و درک بسیاری از سروده‌ها و اشعار شاعران بزرگ، ناممکن می‌گردد.

این حکم تنها در مورد ادب فارسی مصداق ندارد. بسیاری از آثار شاعران اروپائی نیز تحت تأثیر موضوعات و مسائل مذهبی به‌وجود آمده‌است و خواننده این آثار را گزیری نیست، جز آگاهی و وقوف بر مباحث و مسائل مذهبی خاصی که شاعر یا نویسنده، متأثر از آن بوده است. گمدهی الهی داتمو بهشت گمشده جان‌میلتون از این نوع است و خواننده این دواثر بدون اطلاع کامل به‌محتویات انجیل بویژه مباحث و مسائلی که در مورد خلقت و معاد، در این کتاب آمده‌است. نمی‌تواند به مقصود و منظور نویسنده راه یابد.

اما این موضوع در شعر و ادب پارسی نمایان‌تر است. دیوان سخن‌سرایان بزرگ‌ماچون خاقانی و نظامی و ناصر خسرو و سعدی و نظایر آنان گواه سادقی است بر درستی سخن، زیرا

بازتاب آیات قرآنی و اخبار و احادیث نبوی به روشنی در آنها مشهود است. مولوی و حافظ از این جهت چهره روشن‌تری دارند. مولوی دسرودن مثنوی معروف خود به شدت، تحت تأثیر اخبار و احادیث مذهبی است و حافظ در بهره‌یابی و اخذ و اقتباس از آیات قرآن، استادی چیره دست است. او باین کتاب مقدس آسمانی انس و الفتی خاص دارد و آنگونه که خود اشاره کرده آن‌را با چهارده روایت در حفظ داشته است *

عشق رسد به فریاد از خود بسان حافظ قرآن ز بر بخوانی با چهارده روایت (۱)

تخلص او به حافظ نیز برخلاف تصور بعضی، به همین سبب بوده است. *

چه، در قدیم لقب حافظ خاص دودسته بود، یکی محدثی که صد هزار حدیث باسلسله اسناد آن در حفظ داشت و دیگر حافظ قرآن مجید که می‌توانست تمام این کتاب مقدس آسمانی را با قرائت‌های درست از بر بخواند (۲)

در نامه دانشوران در ذیل «ذکر احوال حافظ ابرو» آمده است که او یکصد هزار حدیث مستند در حفظ داشته است.

در اینکه حافظ، پیوسته با قرآن کریم دمساز بوده و آن‌را در حفظ داشته است تردیدی نیست، زیرا علاوه بر اشاره بعضی از صاحبان تذکره، چون دولتشاه سمرقندی و رضا قلیخان هدایت که هر کدام او را بدین صفت ستوده اند ** خود نیز بارها بدین امر اشاره کرده است.

ندیدیم خوشتر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه داری (۳)

حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور (۴)
صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم (۵)

(۱) دیوان حافظ - به تصحیح مرحوم قزوینی ص ۶۶ س ۴

* آقای باستانی پاریزی بر این عقیده‌اند که تخلص و لقب حافظ به علت خوش خوانی و آشنائی او با موسیقی بوده است (حافظ چند هنر - مقالاتی در باره زندگی و شعر حافظ)

۲- مقام حافظ ص ۱۲

** دولتشاه پس از آنکه حافظ را نادره دوران و اعجوبه زمان توصیف می‌کند،

چنین می‌گوید: او در علم قرآن بی نظیر و در علوم ظاهر و باطن مشارالیه بود.

۳- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۳۱۲ س ۷

۴- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۱۷۳ س ۷

۵- دیوان حافظ، تصحیح قزوینی ص ۲۱۸ س ۲

ز حافظان جها کس چو بنده جمع نکرد لطائف حکمی با نکات قرآنی (۱)
از فحوای کلام حافظ چنین بر می‌آید که وی به مطالعه تفاسیر قرآن بویژه کشف
زمخشری عنایتی خاص داشته است تاجایی که بعضی اورا مفسر قرآن و صاحب کتاب تفسیر
دانسته اند. *

بخواه دفتر اشعار و راه صحرا گیر چه وقت مدرسه و بحث کشف کشف است (۲)

زمصحف رخ دلدار آیتی برخوان که آن بیان مقامات کشف کشف است (۳)

چگونگی اقتباس حافظ از قرآن:

حافظ به انواع و اقسام مختلف از قرآن کریم اخذ اقتباس کرده است. این اقتباس،
گاه به صورت مستقیم است. بدین معنی که تمام و یا بخشی از يك آیه را با اندک تغییری به
سورت مصراع یابیتی تمام، در شعر خویش آورده است.

شب و وصل است و طی شد نامه هجر سلام فیه حتی مطلع الفجر (۴)

مصراع دوم بیت بالا از آخرین آیه سوره قدر اقتباس شده است.

مجنسب خم شکست و من سر او سن بالسن والجروح قصاص (۵)

مصراع دوم بیت مذکور، بخشی از آیه ۴۴ از سوره مائده است.

و من یتق الله یجعل له ویرزقه من حیث لایحتسب (۶)

این بیت قسمتی از آیات دوم و سوم سوره طلاق است و اصل آن چنین است: «و من یتق الله
یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لایحتسب».

آنگونه که مشاهده می‌شود، حافظ با حذف کلمه «مخرجاً» از آیه مذکور، بیتی زیبا
ساخته و هنر شاعری خویش و موزونی و کیفیت نظم بی‌بدیل کلمات و الفاظ قرآن را نمایان
ساخته است.

۱- دیوان حافظ، تصحیح قزوینی ص ۳ کو س ۳

* صاحب مجمع الفصحاء می‌نویسد: «گویند تفسیری بر کلام الله نوشته و در بعضی از
غزلیات خود، اشاره به حسن صوت و قرائت و تفسیر خود کرده است (مجمع الفصحاء به کوشش
مظاهر مصفا جلد ۴ ص ۱۸)

۲- حافظ قدسی ص ۷۶ س ۳

۳- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۱۷۰ س ۶ ۴- حافظ قدسی، ص ۲۶۷ س ۱

۵- حافظ قزوینی، ص ۳۶۱ س ۲

گاه با درج بخشی از آیات قرآن در مصراع یابیت، به سخن خود شکوه و زیبایی می‌بخشد .

چشم‌حافظ زیر بام‌قصر آن حوری سرشت شیوه جنات تجری تحت‌الانهار داشت (۱)
« جناب تجری تحت‌الانهار ، از آیه یازدهم از سوره بروج « ان‌الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات تجري من تحتها الانهار ذلك الفوز الكبير » و چند آیه دیگر اقتباس شده است .

تافتخت فیه من روحی شنیدم شدیقین بر من این معنی که مازان وی و او زان ماست (۲)
« نفخت فیه من روحی » از آیه ۲۸ از سوره حجر اقتباس شده است و تمام آن چنین است:
« فاذا سويته ونفخت فیه من روحی قعقواله ساجدین »

این آیه به آفرینش حضرت آدم علیه‌السلام اشارت دارد. خداوند می‌فرماید: « پس از آنکه کالبد او را آراستم، از روح خویش در او دمیدم. »
مگر وقت وفا پروردن آمد که فالم لاتذرنی فرداً آمد (۳)

« لاتذرنی فرداً » اقتباس است از آیه ۸۹ سوره انبیاء و تمام آیه چنین است:

« و زکریا اذ نادى ربه رب لاتذرنی فرداً وانت خیر الوارثین . »

گاه با آوردن لفظی و یا ترکیبی از قرآن، به مضمون آیه‌ای اشاره کرده است .

حضور خلوت انس است و دوستان جمعند وان یکاد بخوانید و در فراز کنید (۴)
« ان یکاد » تلمیحی است به آیه « وان یکاد الذین کفرو الیزلقونک با بصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لم جنون و ما هو الا ذکر للعالمین . » (۵)

نشاط و عیش و جوانی چو گل غنیمت دان که حافظا نبود بر رسول غیر بلاغ (۶)
مضمون مصراع دوم اشاره است به بخش اول این آیه قرآن « ما علی الرسول الا البلاغ والله یعلم ما تبون و ما تکتمون . » (۷)

می‌خوربه بانگ‌چنگ و مخور غصه و زکسی گوید ترا که غصه مخور گو « هو الغفور » (۸)
« هو الغفور » تلمیحی است به آیه « نبئی عبادی انی انا الغفور الرحیم » سوره حجر
آیه ۴۹ .

۱- حافظ قزوینی ص ۵۴ س ۱۱

۲- حافظ قدسی ص ۱۰۹ س ۱۱-

۳- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۳۵۴ س ۱۰

۴- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۱۴۵ س ۵

۵- سوره ۶۵ آیه ۵۱

۶- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۲۰۰ س ۱۲-

۷- سوره مائده آیه ۹۹ ۸- دیوان حافظ چاپ قزوینی ص ۱۲۲ س ۱۰

بیا ساقی بده رطل گرانم سَمَاكَ اللّٰه من كاس دهاق (۱)
 «کاس دهاق» از سوره «نبأ» اقتباس شده است در آنجا چنین آمده است:
 «ان للمتقين مفازاً حدائق واعناباً. وکواعب اتراًباً. وکاساً دهاقاً آیه‌های ۳۱ تا ۳۴
 در بیت عربی زیر:

لمع البرق من الطور وآنست وبه فلعلی لك آت بشهاب قیس (۲)
 حافظ به چند آیه از قرآن از جمله «اذ قال موسی لاهله انی آنست و نارا سآتیکم منها یخیر
 او آتیکم یشهاب قیس لعلکم تصطلون» سوره نمل آیه ۷ اشاره کرده است.

اقتباس غیر مستقیم: پاره‌ای از آیات خواجه شیراز ترجمه گونه‌ای است
 از آیات قرآن کریم. بدین معنی که خواجه مفهوم و مضمون آیه‌ای از قرآن را با کمال مهارت
 و استادی به عنوان دلیل و شاهد مدعای خود آورده است:

یارم فروش به دنیا که بسی سود نکرد آنکه یوسف به زر ناسره بفروخته بود (۳)
 مصرع دوم بیت، اشارت به داستان برادران حضرت یوسف دارد که او را با بهائی اندک
 فروختند. «وشره بضمن بخش دراهم معدوده وکانوا فیه من الزاهدین» (۴)

آنهمه شعبده‌ها عقل که می‌کرد آنجا سامری پیش عصا وید بیضامی کرد (۵)
 مصرع دوم این بیت استدلالی است برای مصرع اول و داستان حضرت موسی و افکندن
 عصا و اژدها شدن آن و همچنین ید بیضای او را به خاطر می‌آورد. «فالتی عصاه فاذا هی ثعبان
 مبین. و نزع یده فاذا هی بیضاء وللناظرین.» (۶)

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند (۷)
 مضمون این بیت تعبیر دلنشینی است از آیه «اناعرضنا الامانة علی السموات والارض
 و الجبال فاین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انه کان ظلوماً جهولاً» (۸)، آنچه در این
 زمینه بیش از هر چیز بر شکوه و جمال شعر حافظ افزوده، این است که پاره‌ای از آیات خواجه
 به صورت ایهامی لطیف، به آیات قرآن کریم اشارت دارد.

احرام چه بندیم چو آن کعبه نه اینجاست در سمی چه کوشیم چو از مروه صفارفت (۹)
 در این بیت کلمات: کعبه، سمی، صفا و مروه، ابتدا ذهن خواننده را به آیه شماره ۱۵۸
 از سوره بقره «ان الصفا و المروة من شعائر الله...» متوجه می‌دارد و سپس معنی دیگر این

۱- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۳۲۲ س ۱۰

۲- حافظ انجوی ص ۲۶۴ س ۲

۳- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۱۴۳ س ۱۱

۴- سوره یوسف آیه ۲۰

۵- حافظ، چاپ انجوی ص ۸۷ س ۱۶

۶- سوره اعراف آیه ۱۰۷

۷- دیوان حافظ

۸- سوره احزاب آیه ۷۲

۹- دیوان حافظ

تصحیح قزوینی ص ۵۷ س ۱۰

الفاظ که در اینجا مراد معشوق و رفتن به کوی اوست، به خاطر می‌رسد.
حافظ در آوردن تشبیهات و توصیفات زیبا، که گاه از قرآن مدد می‌گیرد و در این کار نیز نهایت ظرافت و مهارت خویش را به ظهور می‌رساند.

سواد زلف سیاه تو جاعل الظلمات
بیاض روی چو ماه توفالقی الاصباح (۱)
جاعل الظلمات، اشاره به «وجعل الظلمات والنور» است و فالقی الاصباح، اشاره به «فالقی الاصباح وجعل الليل سكناً والشمس والقمر حساباً وذاك تقدير العزيز العليم» (۲)
پاره‌ای از اوقات با خواندن شعری از حافظ، بی‌اختیار، مضمون آیه‌ای از قرآن کریم به ذهن می‌رسد.

غمناك نبايد بود از طعن حسود ای دل
شاید که چو وایینی خیر تو در آن باشد (۳)
این بیت مضمون «وعسی آن تکرهوا شیئا و هو خیر لکم» را به خاطر می‌آورد (۴)

تداعی معانی:

از جمله هنرهای شاعری، ایجاد تداعی معانی در ذهن خواننده است. بدین معنی که شاعر مقصود خود را طوری بیان کند که خواننده یا شنونده علاوه بر دریافت معنی و مضمون مورد نظر او، اطلاعات و خاطرات فراموش شده‌اش نیز احیاء گردد. حافظ از این نظر نیز در حد متعالی است. چه، با بهره‌گیری از داستانها و رویدادهای تاریخی بویژه قصص و داستانهای قرآن کریم که بر تمام آنها وقوفی کامل دارد، خواننده را به یاد آن داستانها و حوادث انداخته او را به تأمل و تفکر وامی‌دارد.

ای دل ارسیل فنا بنیاد هستی بر کند
چون ترانوح است کشتی‌بان ز طوفان غم‌مخورد (۵)
حافظ در این بیت خواننده را به توکل و اتکاء به حق دعوت می‌کند و داستان حضرت نوح و حوادث زندگی این پیامبر را به خاطرش می‌آورد.
پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت
من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم (۶)
در این بیت استغنائی انسان کامل را از غیر خدا یاد آور می‌شود و در ضمن داستان حضرت آدم و رانده شدن او از بهشت را به خاطر خواننده می‌آورد. داستان حضرت موسی و زندگی پر حادثه او موضوعی است که حافظ بدان عنایتی خاص دارد و در اشعار خود بارها از آن یاد کرده است.

شبان‌وادی ایمن گهی رسد به مراد
که چند سال به جان خدمت شعیب کند (۷)

۱- دیوان حافظ، تصحیح مرحوم قزوینی ص ۲۶۸ س ۲- سوره انفام- آیه ۹۶

۳- دیوان حافظ به تصحیح انجوی ص ۱۰۳ س ۱۳- سوره بقره- بخشی از آیه ۲۱۶

۵- دیوان حافظ به تصحیح انجوی ص ۱۳۳ س ۸- دیوان حافظ به تصحیح قزوینی

ص ۲۳۴ س ۲- دیوان حافظ به تصحیح قزوینی ص ۱۲۷ س ۹

بانگ گاوای چه صدای بازدهد عشوہ منجر سامری کیست که دست از یدیبضا بیرد (۱)

این همه شعبده خویش که می کرد آنجا سامری پیش عصا و یدیبضا می کرد (۲)
داستان حضرت یوسف نیز مورد عنایت حافظ است و جای جای به وقایع و رویدادهای آن
استشهاد می کند:

ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد وقت آنست که بدرود کنسی زندان را (۳)

پیراهنی که آید از او بوی یوسفم ترسم برادران غیورش قباکنند (۴)

من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم

که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخارا (۵)

در مورد حضرت مسیح و جان بخشیدن او به مردگان نیز اشارات زیادی دارد:

فیض روح القدس ارباب مدد فرماید دگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد (۶)

مژده‌ای دل که مسیحا نفسی می آید که زانفاس خوشش بوی کسی می آید (۷)
در پایان یاد آور می شود که تأثیر قرآن بر شعر حافظ، بیش از آنست که در این مقاله
بدانها اشارت رفت و آنچه گفته شد نمونه‌ای بود از بهره گیری و اخذ و اقتباس خواجه از قرآن
کریم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۱۸ س ۳ ۲- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۹۶

س ۱۲ ۳- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۸ س ۸ ۴- دیوان حافظ تصحیح

قزوینی ص ۱۳۸ س ۸ ۵- دیوان حافظ تصحیح قزوینی ص ۳ س ۱۴ ۶- دیوان

حافظ تصحیح قزوینی ص ۹۷ س ۲ ۷- دیوان حافظ تصحیح انجوی ص ۱۱۱ س ۱